

بررسی الزامات ورود نظام اشتراک اموال به ساختار نظام مالی خانواده در
حقوق ایران با نگاه به حقوق استان کبک/کانادا

The Requirements of Introducing the Common Property System to
the Iranian Matrimonial Regime with a view to the Quebec
Matrimonial Regime

<https://dx.doi.org/10.29252/jfr.16.01.01>

F. Zeynodini, Ph.D.

Family Research Institute, Beheshti University, Tehran, Iran

S. M. H. Razavi, Ph.D.

Faculty of Law, University of Tehran, Tehran, Iran

✉ دکتر فاطمه زین‌الدینی

پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر سیدمحمد حسن رضوی

دانشکده حقوق، دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۹۷/۱۰/۲۹

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۹/۱/۱۶

پذیرش مقاله: ۹۹/۱/۲۳

Abstract

egal regimes differ in outlining the method of contribution to the household, financial maintenance, and the division of property after separation/divorce. Some legal regimes, following the CEDAW's regime, look for an egalitarian regime which rules for similar rights and responsibilities for both parties and partial community of properties between spouses through which economic advantages and disadvantages related to marriage and dissol-

چکیده

با بررسی نظام‌های مالی خانواده موجود در سطح بین‌المللی، دو دسته از نظام‌های مالی را می‌توان متمایز نمود. دسته اول نظام‌هایی هستند که با اعتقاد به برابری حقوق و مسئولیت‌های زوجین در خانواده به تعریف حقوق مالی خانواده می‌پردازند. این دسته با پیروی از مدل برابری ارائه شده توسط کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان^۱، نظام مالی اشتراک اموال زوجین را به عنوان رژیم مالی قانونی برای خانواده ارائه می‌دهند که در آن زن و مرد در آورده یکدیگر در خانواده سهیم می‌شوند.

✉ Corresponding author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Evin, Tehran, Iran.
Email: f.zeynodini@gmail.com

✉ نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده

پست الکترونیکی: f.zeynodini@gmail.com

-ution of marriage shall be borne equally by both parties.

Another group of legal regimes establishes division of properties as the guiding principle for marital economic relationship in which the expenses will be borne by men as the heads of the household and women must be compensated for her unpaid contribution to the household.

This research will focus on Iran's legal system, which follows the Sharia (Islamic law) in division of properties and ruling for compensation of unpaid contribution of women to the household. The research compares Iran's legal system and Quebec's laws as an example of egalitarian regime and evaluate if Iran's family law could integrate community regime in its family law with regard to the Sharia principles and its Islamic family law. And which criteria should be considered by Iranian legislator if they desire to adopt community regime.

Keywords: Matrimonial Regime, Common Property Regime, Separation of Property Regime, Equality, Marital Estate.

دسته دیگر از نظام‌های مالی با در نظر گرفتن مرد به عنوان مدیر خانواده و به دنبال آن قراردادان مسئولیت‌های مالی خانواده بر عهده وی، مسئولیت‌ها و حقوق متفاوتی برای هر یک از زوجین در نظر می‌گیرند. در این مدل از نظام مالی خانواده، زن نقش اقتصادی در خانواده ندارد. مرد مسئول پرداخت هزینه‌های همسر و فرزندان می‌باشد و به دنبال آن حقوق زن برای انجام وظایف و مسئولیت‌ها در خانواده باید توسط مرد جبران گردد.

نظام حقوقی ایران، با پیروی از مدل ارائه شده توسط فقه امامیه، نظام حقوقی استقلال مالی زوجین را انتخاب نموده و در دسته دوم قرار می‌گیرد. در این نوشتار، به دنبال بررسی امکان ورود نظام مالی اشتراک اموال به نظام کنونی خانواده در نظام حقوقی ایران و روند آن با توجه به پایه‌های دینی و نیازهای جامعه‌ی کنونی، به بایدها و نبایدهای اعمال این تغییرات خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: نظام مالی خانواده، نظام اشتراک اموال، نظام استقلال مالی، برابری، اموال مشترک خانوادگی.

مقدمه

نظام مالی خانواده^۲ به معنی سیستم مالی خاصی است که هر نظام حقوقی جهت مالکیت و اداره اموال زوجین پس از ازدواج بر می‌گزینند و بوجود آمدن یا نیامدن اموال مشترک خانوادگی^۳ را تعیین می‌نماید. در صورت بوجود آمدن اموال خانوادگی بوسیله ازدواج، این رژیم ابعاد اشتراک در اموال، مدیریت این اموال و نحوه‌ی تقسیم آن‌ها در طلاق یا سایر موارد پایان رابطه ازدواج و نحوه‌ی به ارث بردن چنین اموالی را در وفات زوجین بیان می‌نماید. در کشورهای تابع رژیم حقوق نوشته، قانون ابعاد نظام مالی خانواده و قسمت‌های آمره و قابل توافق آن را تعیین می‌نماید و رژیم مالی خانواده توسط قانون برای همه به صورت یکسان یا با امکان توافق زوجین بر نظام خاصی انتخاب و اعمال می‌شود (نعمان ۱۷، ۲۰۱۸).

در ایران، رژیم مالی‌ای که قانونگذار به تبعیت از فقه اسلامی برای خانواده تعیین کرده، رژیم مالی جدایی اموال است که در آن اموال مشترک خانوادگی بوجود نمی‌آید، بلکه هر یک از زوجین کاملاً مستقل از یکدیگر در امور مالی در نظر گرفته می‌شوند و هیچ یک از اموال آنها، چه قبل از ازدواج به دست آمده باشد چه پس از

آن، اموال مشترک محسوب نمی‌گردد. در این سیستم، هر یک از زوجین اختیار کامل نسبت به اموال خود دارند و در جهت تملیک و اداره اموال خود کاملاً مستقل و آزاد می‌باشند. بدیهی است که مسئولیت و ذمه مالی افراد نیز در این سیستم مستقل می‌باشد و هر یک از زوجین مستقلاً نسبت به سود و زیان در اموال خود متعهد می‌باشد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۱). در این سیستم، زن، حقوق و تعهدات مالی مستقل از همسر خویش دارد و می‌تواند شخصاً حق مالکیت و ورود به قراردادهای حقوقی و پذیرفتن تعهد خویش را اعمال کند. ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی استقلال مالی زن از همسرش را اینگونه بیان می‌کند: "زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند."

نظام استقلال مالی زوجین در نظام حقوق ایران، هرچند به صورت نظام حقوقی روشن و مدون تدوین نشده است، به صورت قاعده‌ی آمره اجرا می‌گردد و در قانون امکان توافق برخلاف آن توسط زوجین پیش‌بینی نشده است (شیروی، ۱۳۹۵). در واقع، برخلاف نظام حقوقی حاکم بر سایر کشورهای دارای حقوق نوشته همچون فرانسه و استان کبک در کشور کانادا که قانون علاوه بر پیشنهاد رژیم مالی خاص به خانواده، امکان توافق بر سایر انواع رژیم‌های مالی را به زوجین می‌دهد، در قانون ایران چنین امکانی برای زوجین پیش‌بینی نشده است (استژمن، ۲۰۱۲). این در حالیست که از دهه ۱۹۷۰ میلادی، کشورهای دارای سیستم حقوق نوشته، به سمت گسترش سهم اراده‌ی طرفین در نظام مالی حاکم بر خانواده و پررنگ کردن نقش قرارداد زوجین در مسایل مالی فی مابین پیش‌رفته‌اند (رویارد، ۲۰۰۶).

نظام حقوقی استقلال مالی زوجین در ایران با استناد به قرآن و اصولی همچون احترام مال مسلم برقرار شده است که هر یک از افراد جامعه را صاحب اموال و دستاورد عمل خود می‌داند.^۴ براساس این نظام زن نیز به صورت مستقل از همسر خویش حقوق و مسئولیت مالی دارد و اجازه مالکیت، اداره و تصرف اموال خویش را به صورت مستقل داراست (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶). این قانون در جای خود و در بستر تاریخی صدر اسلام، بسیار مترقی و در جهت برقراری انصاف، عدالت و آزادی اقتصادی زنان برقرار شده است، اما امروزه با توجه به شرایط جامعه کنونی ایران قابلیت تغییر و ارتقا دارد.

در واقع با در نظر گرفتن نظام‌های حقوقی دیگر که امکان اعمال اراده‌ی آزاد زوجین در انتخاب سیستم مالی حاکم بر رابطه‌ی زوجیت و آرایه چند نظام مالی همزمان و انتخابی مانند نظام اشتراک اموال را به زوجین می‌دهند، می‌توان در جهت تغییر در نظام حقوقی حاکم بر رژیم مالی خانواده امروزی اقدام نمود. در این زمینه، به استنباطات جدید و نظریه پردازی‌های نو مبتنی بر اصول و مبانی شرعی و در چارچوب‌های پذیرفته شده توسط نهاد اجتهاد در فقه شیعه نیاز است تا به ارائه راهکاری جدید مبتنی بر متون دینی و منطبق بر اقتضات خانواده شهرنشین امروزی بپردازد.

با مطالعه در رژیم مالی خانواده در ایران و نظام حاکم بر روابط مالی زوجین، مواردی به عنوان نواقص موجود در نظام مالی جامع حاکم بر روابط زوجین مطرح می‌گردد. یکی از مهمترین علل در خلاء موجود در نظام حقوقی کنونی، عدم وجود نگاه کل‌گرایانه و نظام‌مند در مورد قواعد حاکم بر رابطه مالی زوجین و نگاه جزء‌گرایانه به نهادهای مالی موجود همچون مهریه، نفقه و ارث است که منجر به عدم وجود نظام مدون و مشخص حقوقی گردیده است که در آن کل نظام مالی خانواده، ابعاد آن، حقوق و مسئولیت‌های طرفین به صورت مشخص تبیین شده باشد (سشت، ۱۹۹۶).

علت دیگر، مخلوط شدن نامتناسب دو نظام حقوق نوشته با پیروی از حقوق فرانسه و نظام حقوق اسلام در نظام حقوقی خانواده در ایران است که باعث بوجود آمدن ناهماهنگی‌هایی در حقوق و مسئولیت‌های زوجین گشته است. این عدم توازن باعث بوجود آمدن شرایطی شده است که در برخی مواقع حقوق زنان در آن محترم شمرده شده و در شرایطی از بین می‌رود. نمونه‌ی این شرایط را در بحث مربوط به اجرت‌المثل می‌توان دید. اجرت‌المثل که نه تقلید دقیقی از حقوق زنان در غرب و نه پیروی دقیقی از احکام اسلامی است، به دنبال تامین امتیازاتی برای زن در هنگام طلاق است. نهاد اجرت‌المثل با این ویژگی که به عنوان حق پایداری برای زنان شناخته نشده و تنها هنگام اتمام رابطه‌ی زوجیت بوسیله‌ی طلاق با تحقق شرایط متعددی قابل احقاق است، در مواردی منافع زن را تامین نمی‌کند و با توجه به نص قانون، قاضی هم توانایی در مورد صدور حکم خارج از چارچوب قانونی در جهت تامین منافع زوجه را ندارد (یساری، ۲۰۰۲).

نظام مالی در برخی موارد نیز، با حفظ چارچوب نظام استقلال مالی زوجین سعی در ارتقای حقوق زنان با الگوبرداری از نظام اشتراک اموال در سایر کشورها کرده است. نمونه این تقلید در پیش‌بینی شرط تصفیه اموال زوج در عقدنامه‌ها دیده می‌شود. این شرط که از نظام حقوقی سایر کشورها الگوبرداری شده، با شرایط اجرای پیچیده و بیان مبهم آن، کمکی به ورود نظام اشتراک اموال به حقوق خانواده ننموده است (کاتوزیان، ۱۳۸۵). مساله دیگر مبتنی بودن نظام استقلال مالی کنونی بر تقسیم کامل نقش مرد و زن در خانواده و جبران کردن زحمات زن توسط مرد با نهادهایی مانند نفقه و اجرت‌المثل می‌باشد. در واقع با تغییر بافت جامعه و ورود زنان به عرصه اقتصادی، اختصاص وظیفه‌ی اقتصادی به مردان و وظایف غیراقتصادی درون خانه به زنان تغییر کرده است (فضائی، ۲۰۱۶). روند تغییر نقش‌ها در خانواده می‌بایست در قانون منعکس شود و جایگاهی برای توافقات اقتصادی زوجین در نظر گرفته شود.

با توجه به سیستم مالی حاکم بر روابط زوجین در قوانین کنونی ایران و ضرورت همراهی آن با تحولات نظام خانواده، این نوشتار با نگاهی به رژیم حاکم بر حقوق خانواده در استان کبک در کشور کانادا، به دنبال معرفی نظام مالی اشتراک اموال و بررسی امکان ورود آن به نظام مالی خانواده در ایران است، به نحوی که بتوان امکان بیشتری برای بروز و تنفیذ اراده زوجین در نظر گرفت که قابلیت انطباق با شرایط اقتصادی و خواسته‌ی متفاوت افراد را داشته باشد. نظام پیشنهادی باید با اصرار و تاکید بر مبانی حقوق ایران و رعایت الزامات حقوقی و فقهی، نسبت به طراحی ابزارهای حقوقی نوین مبتنی بر تحولات اجتماعی نهاد خانواده اهتمام ورزد.

این مقاله با هدف بررسی و تبیین بایدها و نبایدهای حاکم بر تغییر و تحولات نظام مالی خانواده در ایران، ابتدا با مطالعه سیستم مالی خانواده در استان کبک به عنوان نمونه‌ای از نظام حقوق نوشته، شرایط دادن حق انتخاب به زوجین جهت تصمیم‌گیری راجع به نظام مالی حاکم بر رابطه‌ی زوجیت در این نظام را بررسی می‌نماید. سپس ابعاد مختلف حقوق مالی زوجین در ایران و امکان تغییر در نهادهای مختلف مالی خانواده بررسی می‌گردد.

۱- اصول حاکم بر رژیم مالی خانواده در استان کبک/کانادا

استان کبک در کشور کانادا تنها استان این کشور می‌باشد که تابع حقوق نوشته می‌باشد و از این جهت انتخاب گردیده است که با نظام حقوقی ایران در مواردی شباهت دارد. در واقع، هر دو سیستم قانونی تابع

نظام حقوق نوشته می‌باشند، هر دو پایبند به مقررات قانون مدنی خویش و تعاریف موجود از گزاره‌های حقوقی در قانون می‌باشند که در نتیجه بیشتر به مسایل شکلی می‌پردازند و انعطاف کمتری در پذیرش تحولات نسبت به سیستم عملگراییه کامن‌لا دارند (رویلارد، ۲۰۰۶). همچنین در هر دو سیستم قاضی در چارچوب قوانین نوشته رای صادر می‌کند و به قوانین پایبندی کامل دارد، در حالی که در نظام کامن‌لا، قاضی بیشتر واقعیت موجود در هر قضیه حقوقی و جبران زیان وارده را در نظر دارد (لاکی و دیگران، ۲۰۱۷).

نظام حقوقی حاکم بر روابط مالی زوجین در استان کبک، نظام مشخص و مدونی است که بخشی را تحت عنوان رژیم مالی خانواده^۵ در قانون مدنی به خود اختصاص داده است. قانون مدنی کبک در این بخش خاص، همچون سایر نظامات تابع رژیم حقوق نوشته مانند فرانسه، سوییس و بلژیک، رابطه حقوقی حاکم بر رابطه مالی زوجین در خانواده را به صورت مفصل شرح می‌دهد و به ابعاد و حالات مختلف اعمال این رژیم می‌پردازد (استرمن، ۲۰۱۲).

نظام حقوق مالی در کبک بر دو اصل استوار است:

اصل اول، آزادی طرفین در انتخاب رژیم مالی حاکم بر رابطه زوجیت به استثنای اموال مستثنی از این رژیم که قانونگذار آن‌ها را اموال مشترک خانواده (Family Patrimony) می‌نامد.

استان کبک یکی از نمونه‌های بارز نظام حقوقی با احترام به اراده آزاد طرفین رابطه زوجیت و داشتن تنوع در نظام مالی خانواده است. در مبحث رژیم مالی خانواده، قانون‌گذار به صورت تفصیلی به تشریح انواع قراردادهایی که زوجین می‌توانند در مورد آن‌ها توافق کنند و ابعاد و آثار این قراردادها می‌پردازد تا طرفین با اراده‌ی آزاد و آگاهی کامل به حقوق و مسئولیت‌های مالی خود با حاکمیت هر نوع قرارداد، آن را انتخاب نمایند. در واقع هر رژیم خاص مالی، رابطه مالی زوجین با یکدیگر در طول مدت زوجیت، و در هنگام جدایی یا مرگ همسر، مالکیت آن‌ها نسبت به اموال قبل از ازدواج و نسبت مالی هر یک از زوجین با افراد ثالث را تعیین می‌نماید. بنابر اصل اراده آزاد، طرفین می‌توانند با توافق دوجانبه، با توجه به تغییر شرایط و در صورت لزوم، جهت تغییر قرارداد مالی فی مابین اقدام قانونی نمایند^۶ که قانونگذار شرایط و چگونگی این تغییر قرارداد را که عطف به ماسبق نمی‌شود، بیان می‌نماید (هاهلو، ۱۹۷۳).

همچنین قانونگذار یکی از انواع قراردادهای پیشنهادی خود را به صورت فرض قانونی قرار می‌دهد. این بدین معناست که در صورت عدم توافق طرفین بر رژیم خاصی، نوع قراردادی که قانونگذار به صورت اصل قانونی انتخاب کرده، بر روابط مالی طرفین قانونا حاکم خواهد بود. این نوع قرارداد، با توجه به شرایط و نیازهای اصلی و فرهنگ حاکم بر جامعه انتخاب می‌شود و با تغییر این معیارها، قانونگذار به تغییر اصل قانونی اقدام خواهد کرد^۷ (گلندن، ۱۹۸۳). نمونه بارز این تحول قانونی، در تغییر از رژیم مالی اشتراکی به رژیم اشتراک در اموال معین برای ازدواج‌هایی که بعد از تاریخ جولای ۱۹۷۰ منعقد گردیده‌اند، دیده می‌شود (کسیر، ۱۹۹۵).

اصل دوم، اصل غیرقابل تغییر بودن و قطعیت رژیم مالی است که بر اساس آن رژیم مالی انتخاب شده توسط طرفین ازدواج معتبر و غیرقابل تغییر خواهد بود، مگر اینکه طرفین بر تغییر آن توافق نمایند و قرارداد مالی جدیدی منعقد نموده و آن را نزد مرجع قانونی به صورت رسمی امضا نمایند. این رسمیت بخشیدن

علاوه بر رابطه مالی طرفین ازدواج با یکدیگر، از نظر مسئولیت مالی زوجین در برابر افراد ثالث ضروری است (استرژمن، ۲۰۱۲).

۲-۱- معرفی رژیم های مالی قانونی در کبک

در استان کبک، با توجه به اصل آزادی طرفین رابطه زوجیت در انتخاب قرارداد مالی حاکم بر رابطه خود، قانونگذار سه رژیم مختلف مالی را تحت عنوان رژیم مالی خانواده به افراد در قانون مدنی کبک پیشنهاد می‌کند و شرایط و ویژگی‌های هر رژیم را بیان می‌نماید (کندی، ۲۰۱۶).

۲-۱-۱- رژیم مالی اشتراک در اموال معین^۸

این رژیم مالی، رژیمی است که هم اکنون قانونگذار آن را به عنوان رژیم قانونی فرض کرده است و به صورت اصل قانونی، به رابطه‌ی تمام زوجینی که خود رژیم مالی مشخصی را انتخاب نکرده اند حاکم می‌باشد. در این رژیم اموال زوجین به اموال مشترک و اموال اختصاصی تقسیم می‌شوند. اموال مشترک اموالی را شامل می‌شود که اموال اختصاصی زوجین نیستند و معمولاً حاصل کار کردن و تلاش مالی آن‌ها در طول رابطه زوجیت می‌باشند و یا نتیجه و سود ناشی از اموال اختصاصی زوجین می‌باشند که قانونگذار آنها را تعیین کرده و مواردی را نیز به عنوان استثنا بر این قانون برشمرده است (کندی، ۲۰۱۶). در این رژیم، اصل بر اشتراکی بودن اموال است مگر این‌که ثابت شود مالی اختصاصاً به یکی از زوجین تعلق دارد. اگر اختصاصی یا اشتراکی بودن مالی غیر قابل تعیین باشد، آن مال به صورت مشاعی بین زوجین به تساوی تقسیم می‌گردد.^۹ به طور کلی اموال اختصاصی که متعلق به هر یک از زوجین می‌باشند شامل این موارد است:^{۱۰}

- اموالی که هر یک از زوجین قبل از ازدواج کسب کرده و با آن وارد زندگی مشترک شده اند.
- اموالی که به صورت هبه یا ارث به یکی از زوجین تعلق گرفته است به استثنای درآمد یا نتایج و سودی که از این اموال حاصل می‌گردد.

- لباس‌ها و وسایل شخصی هر یک از زوجین و جواهرات و زیورآلات آن‌ها.

- وسایلی که هر یک از زوجین برای حرفه تخصصی خود نیاز دارد.

- مالی که جایگزین اموال اختصاصی شده و هر گونه بیمه ای که جهت پرداخت خسارت اموال اختصاصی در نظر گرفته شده است.

رژیم مالی اشتراک اموال معین تا زمانی که بواسطه‌ی مرگ یکی از زوجین، حکم طلاق توسط دادگاه، بطلان ازدواج، تغییر رژیم مالی با اراده طرفین و یا غیبت یکی از زوجین منحل گردد، ادامه می‌یابد و بر روابط زوجین حاکم خواهد بود.^{۱۱}

۲-۱-۲- رژیم مالی اموال اشتراکی^{۱۲}

رژیم مالی اموال اشتراکی، رژیم قانونی‌ای بود که قانونگذار برای زوجینی که تا سال ۱۹۷۰ ازدواج می‌کردند به عنوان فرض قانونی در نظر می‌گرفت و اکنون نیز زوجین می‌توانند با توافق یکدیگر آن را انتخاب کنند. هرچند امروزه به علت تفاوت در فرهنگ و آداب و رسوم جامعه این نوع قرارداد رواج چندانی در سیستم حقوقی کبک ندارد.^{۱۳} در این رژیم، مالکیت زوجین بر اموال به سه دسته اموال اختصاصی، اموال مشاع و اموال مخصوص زوجه تقسیم می‌شود و قدرت اداره اموال در این رژیم میان مرد و زن یکسان نیست. هر یک

از زوجین، حق اداره و هرگونه استفاده از اموال اختصاصی مربوط به خود را دارد. مرد، مدیریت اموال مشترک را به تنهایی عهده‌دار است و درآمد وی نیز در این دسته قرار می‌گیرد. زن مالک اموال مخصوص به خود است که شامل درآمد وی و اموالی که توسط درآمد شخصی‌اش خریداری می‌کند، می‌باشد (هاهلو، ۱۹۷۳).

۲-۱-۳- رژیم مالی استقلال اموال زوجین^{۱۴}

رژیم استقلال مالی نیز یکی از انواع پیشنهادات قانونگذار به زوجین است که با توافق می‌توانند آن را انتخاب نمایند. مطابق این رژیم مالی^{۱۵}، زوجین هنگام ازدواج تصمیم می‌گیرند که از یکدیگر به صورت کامل استقلال مالی داشته باشند. هر یک از زوجین مالک مستقل تمامی اموال بدست آمده قبل از ازدواج و نیز اموالی که در طول رابطه زوجیت به دست می‌آورند می‌باشد و اداره‌ی اموال هر یک از زوجین نیز به صورت مستقل با خود او خواهد بود.^{۱۶} استثنای این سیستم مستقل در مورد اموالی است که تعیین مالکیت یکی از زوجین بر آنها مقدور نیست.^{۱۷} در این مورد آن‌ها مشترکاً مالک چنین مالی فرض خواهند شد و در تقسیم این اموال مشترک، بر حسب این فرض اشتراک تقسیم اموال صورت خواهد گرفت (کسیر، ۱۹۹۵).

۲-۲- اموال مشترک خانوادگی:^{۱۸} مستثنیات قانونی نظام مالی زوجین در استان کبک

در رژیم مالی خانواده در کبک مفهومی با عنوان اموال مشترک خانوادگی^{۱۹} وجود دارد که ابعاد آن توسط قانونگذار تعیین می‌شود. معادل این رژیم با عنوان دیگر^{۲۰} در انتاریو و سایر ایالات کانادا نیز وجود دارد (کسیر، ۱۹۹۵). این رژیم، بر تمامی انواع قراردادهای مالی زوجین اعمال می‌شود و اجرای آن به صورت آمره توسط قانونگذار صورت می‌گیرد. زوجین حتی در حالتی که رژیم استقلال مالی را انتخاب می‌نمایند، نمی‌توانند خلاف این نهاد قانونی توافق نمایند. بر اساس این رژیم، اموال مشترک خانوادگی در هنگام انحلال رژیم مالی، داخل رژیم مالی خانواده محسوب نخواهند شد و مطابق با آن تقسیم نمی‌گردند. اینها معمولاً شامل اموالی هستند که برای استفاده روزمره خانواده کاربرد دارند. در این زمینه قانونگذار از قاعده مالکیت خصوصی پیروی نمی‌کند و در واقع زوجین را بنابر امر قانونی و جهت ترویج حقوق برابر بین زوجین، مستحق سهم برابر از اموال خانوادگی جهت استفاده بعد از اتمام رابطه زوجیت می‌داند. این اموال بر اساس این فرض که حاصل تلاشهای مشترک اقتصادی زوجین در طول زندگی مشترک می‌باشند، خصوصی تلقی نمی‌گردند (کسیر، ۱۹۹۵). بنابر قانون مدنی کبک،^{۲۱} این اموال شامل مسکن مورد استفاده خانواده، وسایل منزل و مورد استفاده خانواده، وسیله نقلیه مورد استفاده خانواده و سود پول پرداخت شده جهت دریافت بیمه بازنشستگی می‌باشد (حمود، ۲۰۱۶).

۳- رژیم مالی حاکم بر زوجین در ایران: نظام استقلال مالی زوجین

در ایران و در قوانین مربوط به خانواده، به صورت مشخص نامی از نظام مالی خانواده برده نشده است. اما از مواد مربوط به خانواده در قانون مدنی و از اصول فقهی و قواعد اسلامی حاکم بر نظام مالی خانواده در ایران، مشخص می‌شود که در قانون ایران نظام استقلال مالی زوجین بر خانواده ایرانی حاکم می‌باشد. نظام استقلال مالی نظامی است که امروزه در بسیاری از نظامات حقوقی دنیا برقرار می‌باشد، اما نحوه اعمال آن در ایران ویژگی خاص خود را دارد که در زیر به آن پرداخته می‌شود:

۳-۱- نظام استقلال مالی زوجین: قاعده آمره

در ایران و طبق قوانین موضوعه نظام استقلال مالی تنها نظامی است که بر روابط مالی زوجین حاکم می‌باشد. از آنجا که این نظام مبتنی بر آیات قرآن^{۲۲} و قاعده حرمت مال مسلمان می‌باشد، و مشتمل بر قواعد مسلم فقهی محسوب می‌گردد، به صورت قاعده‌ی آمره اجرا می‌گردد. لذا زوجین نمی‌توانند برخلاف کلیت آن توافق نمایند و در تمامی حالات مختلف بر روابط مالی زوجین حاکم می‌باشد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۱). این در حالیست که در بسیاری از نظام‌های حقوقی در دنیا مانند نظام مالی خانواده در استان کبک، نظام استقلال مالی می‌تواند یکی از انواع نظام‌های پیش‌روی زوجین باشد که آن‌ها با اراده آزاد خود آن را انتخاب می‌نمایند (استرژمن، ۲۰۱۲، ۷-۸).

۳-۲- استقلال مالی زوجین در تمامی اموال مکتسبه

در حقوق ایران، جدایی اموال به صورت کامل و بر تمامی اموال زوجین شامل اموال مکتسب قبل از ازدواج و بعد از شروع زندگی مشترک اعمال می‌شود. این بدان معناست که هیچ یک از اموال به دست آمده توسط زوجین، داخل نظام اشتراک نمی‌گردد و اساساً نظام اشتراک اموال زوجین در نظام حقوقی ایران تعریف نشده است (روشن، ۱۳۹۵).

۳-۳- استقلال مالی زوجین: استقلال مسئولیت و جدا بودن ذمه طرفین

با توجه به جدایی اموال زوجین، مسئولیت‌های مالی، تکالیف و تعهدات مالی آن‌ها نیز به صورت مستقل از یکدیگر در نظر گرفته می‌شود و هیچ یک از زوجین در برابر تکالیف مالی دیگری مسئول شناخته نمی‌شود. در این سیستم حقوقی، ذمه‌ی مالی طرفین مستقل از یکدیگر است. این بدان معناست که هر یک از زوجین جداگانه در برابر ثالث مسئول شناخته می‌شود و هیچ یک در مورد تعهدات دیگری در برابر ثالث متعهد نخواهد بود، مگر در حالتی که طرفین مستقل از رابطه‌ی زوجیت، وارد رابطه‌ی حقوقی دیگری با یکدیگر شده باشند (میرحسینی، ۱۹۹۵).

۳-۴- استقلال مالی زوجین در هنگام مرگ و جدایی

همان‌طور که در طول رابطه‌ی زوجیت، اموال زوجین به صورت مستقل از یکدیگر هستند، با اتمام رابطه زوجیت بوسیله جدایی یا مرگ یکی از زوجین نیز همان نظام استقلال اموال بر انحلال رابطه زوجیت حاکم می‌باشد.

با مرگ یکی از زوجین، طرف دیگر همچون سایر ورثه در نظر گرفته می‌شود. بدین معنا که غیر از سهم الارث تعیین شده و حقوق مالی که بر عهده طرف مقابل دارد، همچون مهریه و نفقه، بدهی یا مسئولیت‌های مالی به جا مانده از رابطه زوجیت، حقی بر اموال به جامانده ندارد و دارایی فرد جهت انحصار وراثت به صورت مستقل در نظر گرفته می‌شود (یساری، ۲۰۱۶).

در مورد اتمام رابطه زوجیت توسط جدایی، باز هم اموال طرفین مستقل از یکدیگر است و هیچ نوع اشتراکی بواسطه رابطه زوجیت پدید نمی‌آید. قراردادن شرط تنصیف دارایی در اسناد ازدواج نیز تغییری در این سیستم ایجاد نکرده است و با رعایت شرایطی^{۲۳} به قاضی این اختیار را می‌دهد که به مبلغ معینی "تا نصف دارایی زوج" جهت پرداخت به زوجه حکم دهد. این شرط در ضمن اینکه طرفینی نیست و تنها در

مورد اموال زوج قابلیت اعمال دارد، در غالب شرایط باتوجه به شرایط تحقق آن قابل اعمال نمی‌باشد (توحیدی، ۲۰۱۰). ضمن اینکه بر اساس این شرط، زوج موظف است که تا نیمی از اموال خود را به صورت بلاعوض به زوجه تملیک نماید، و این بدان معناست که اموال و دارایی زوج مستقل از دارایی زوجه می‌باشد و او موظف به تملیک نیمی از این دارایی جهت حمایت از زوجه پس از جدایی می‌باشد، لذا در صورت تحقق این امر نیز بحث اشتراک اموال زوجین و نظام حاکم بر آن منتفی است (میرحسینی، ۲۰۱۰).

۴- استقلال اموال زوجین در حقوق ایران و امکانات اصلاح آن

با توجه به کاربرد گسترده‌ی نظام اشتراک اموال به اشکال مختلف در نظام‌های مختلف حقوقی و کاربرد آن در حقوق استان کبک که در بالا به آن اشاره گردید، استفاده از این نظام در جامعه امروز ایران نیز با انتخاب طرفین، کاربردی و در مواردی راهگشا به نظر می‌رسد. اعمال نظام استقلال مالی زوجین به صورت اجباری در جامعه سنتی ایران که در آن برای زنان تنها نقش مادری و نقش غیراقتصادی در مدیریت خانه تعریف شده بود منطقی به نظر می‌رسید. اما امروزه با ورود زنان به عرصه اقتصادی و اشتغال زنان بیرون از خانه، تقسیم سنتی نقش زنان به مدیریت خانه و مردان به نان‌آوری تغییر کرده است. با امکان کار زنان در خارج از خانواده، امروزه ارزش فعالیت زنان در خانه و نگهداری از فرزندان و مدیریت داخل خانه نیز تغییر کرده است (آقاجانیان، ۲۰۰۱). نهاد اجرت‌المثل نیز گرچه در جهت حمایت از حقوق زنان وضع شده است، اما نهادی است که به تحقق نظامی متفاوت کمک نمی‌کند و اجرای آن تنها در زمان جدایی، از تاثیرات آن کاسته است (توحیدی، ۲۰۱۰). لذا استفاده از تجربه‌ی نظام‌های دیگر و بررسی تعریف نظام اشتراک اموال در نظام حقوق خانواده ایران به صورت انتخابی و با اراده‌ی آزاد طرفین می‌تواند به بهبود و ارتقای حقوق مالی حاکم بر روابط مالی زوجین کمک کند.

در جهت ورود نظام اشتراک اموال به نظام حقوقی ایران، این نظام باید با ابعاد کلی نظام حقوقی ایران، اصول فقهی و شرعی و فرهنگ و عرف جامعه‌ی ایرانی منطبق گردد. در این راستا می‌بایست ابتدا قابلیت ورود این نظام به نظام حقوقی ایران با پیشینه‌ی شرعی و فقهی آن بررسی گردد و بایدها و نبایدهایی که در این تغییر نظام حقوقی می‌بایست در نظر گرفته شود، به درستی تبیین گردد.

۴-۱- ابعاد موجود در نظام حقوق مالی خانواده در ایران

در نظام مالی موجود در حقوق خانواده ایران، قوانین و نهادهای مختلفی دیده می‌شود. تا به امروز، این نهادها و قوانین مالی از نظر قانونگذار بر نظام استقلال مالی زوجین دلالت داشته‌اند و غیرقابل تغییر به نظر می‌رسیده‌اند. در این قسمت از این نوشتار، در پی بررسی این سوال هستیم که آیا تمامی نهادهای مالی موجود در حقوق خانواده، به عنوان اجزای سیستم استقلال مالی، غیرقابل تغییر می‌باشند یا قابلیت تغییر آن‌ها با توجه به حاکمیت شرع و قانون بر نظام حقوقی ایران وجود دارد؟

لذا به تقسیم بندی نهادهای مالی موجود در حقوق خانواده با توجه به منشا آن‌ها خواهیم پرداخت.

۴-۱-۱- نهادهای مالی برگرفته از حکم شارع

پاره‌ای از نهادهای مالی موجود در حقوق خانواده ایران، از امر مستقیم شارع نشأت گرفته‌اند. این قواعد به علت آنکه مورد حکم مستقیم شارع قرار گرفته‌اند، از اصول حاکم بر عقد ازدواج و لوازم ضروری آن در

شریعت شناخته می‌شوند که توافق بر خلاف آن‌ها ممکن نمی‌باشد. مهریه و نفقه مهمترین مثال این گروه از قواعد حاکم بر ازدواج می‌باشند که در زیر جداگانه بررسی می‌گردند (حکمت‌نیا، ۱۳۹۱).

۴-۱-۱-۱- مهریه

مهریه که از مهمترین ارکان عقد ازدواج در اسلام می‌باشد، مورد تاکید خاص شارع و قانون مدنی قرار گرفته است. وجود مهریه از لوازم عقد ازدواج است، به‌گونه‌ای که در برخی موارد همچون ازدواج موقت^{۲۴}، عدم وجود مهریه منجر به بطلان ازدواج می‌گردد (بنی، ۲۰۱۵). از آنجا که مهریه از ارکان اصلی ازدواج می‌باشد، توافق برخلاف آن توسط زوجین جایز نمی‌باشد. البته میزان مهریه به اراده‌ی طرفین تعیین می‌شود^{۲۵} و می‌تواند هرمقدار که طرفین بر آن توافق کنند، قرار گیرد (نصیر، ۲۰۰۹). هرچند میزان مهریه در قانون تعیین نشده است، اصول کلی بر تعیین مهریه حاکم می‌باشد که باید رعایت گردند. مانند آنکه مهریه باید مالیت^{۲۶} داشته باشد و مجهول^{۲۷} نباشد (مرغزاری و دیگران، ۲۰۱۶).

لذا از قواعد آمره موجود در نظام مالی خانواده در قانون ایران، نهاد مهریه می‌باشد که نمی‌توان خلاف نظر شارع و قانون‌گذار عمل نمود و قابل حذف نمی‌باشد (صفایی، ۱۳۹۶).

۴-۱-۱-۲- نفقه

دومین نهاد مالی در خانواده که برگرفته از امر مستقیم شارع می‌باشد، نهاد نفقه است. نفقه در بسیاری از نظام‌های حقوقی خانواده در دنیا مانند نظام حقوقی استان کبک^{۲۸} وجود دارد، اما تعریف و ابعاد آن با آنچه در نظام حقوقی ایران وجود دارد، متفاوت است. در حالی که در قوانین ایران و طی نظام استقلال مالی زوجین، نفقه به معنی تامین نیازهای مالی زوجه، حقی یکجانبه و تنها بر عهده مرد می‌باشد و زن نقشی در تامین مالی خانواده ندارد، در استان کبک نفقه^{۲۹} امری دوجانبه و به معنی تامین مالی هزینه‌های خانواده توسط طرفین یا طرفی که درآمد بیشتری دارد می‌باشد.^{۳۰} این قانون نتیجه‌ی مستقیم نظام اشتراک اموال می‌باشد که در آن درآمد زوجین به عنوان درآمد خانواده محسوب می‌گردد و تامین مالی هزینه‌های خانواده از این درآمد مشترک پرداخت می‌گردد (کسیر، ۱۹۹۵).

در ایران و در قوانین موضوعه، بر تکلیف مرد به پرداخت نفقه تاکید فراوان صورت گرفته، تا جایی که در صورت عدم انجام این وظیفه توسط مرد و عدم توان دادگاه به اجبار وی،^{۳۱} زوجه حق درخواست طلاق خواهد داشت.^{۳۲} همچنین میزان نفقه بر مبنای شرایط زوجه از نظر خانوادگی و جایگاه اجتماعی وی تعیین می‌شود.^{۳۳} از آنجایی که مرد مدیر خانواده است و مسئولیت اقتصادی را بر عهده دارد و زن نقش اقتصادی بر عهده ندارد، تامین نفقه و نیازهای مالی زن بر عهده مرد می‌باشد. این امر در نظام‌های اشتراک اموال بواسطه برابری مسئولیت زن و مرد، و مشارکت هر دو در نظام مالی خانواده منتفی است (بو، ۲۰۱۵).

۴-۱-۲- نهادهای مالی برگرفته از اصول کلی حقوقی

برخی از نهادهای موجود در نظام مالی خانواده در ایران، تابع اصول و قواعد عمومی حقوقی هستند که در نظام مالی خانواده نیز اعمال می‌شوند. در مورد چگونگی اعمال اصول کلی حقوقی بر روابط مالی زوجین، دو شیوه متفاوت را می‌توان برشمرد:

شیوه نخست، اعمال اصول کلی حقوقی بر روابط مالی زوجین بدون تغییر خاصی است. مثال‌های این دسته از شیوه اعمال اصول کلی حقوقی بسیار گسترده‌اند و از آن میان می‌توان به قرارداد اجاره و بیع میان زوجین اشاره کرد که قواعد آن همان قواعد کلی بیع و اجاره است.

شیوه دیگر، اعمال قواعد کلی حقوقی است که وقتی در نظام مالی خانواده قرار می‌گیرند با توجه به روابط و اصول حاکم به رابطه‌ی زوجیت به صورت ویژه‌ای اجرا می‌شوند. به بیان دیگر در این نهادها، قواعد کلی حقوقی خود را منطبق بر ظرافت‌ها و ویژگی‌های خاص خانواده می‌نمایند (حکمت‌نیا، ۱۳۹۱).

مهمترین مثال‌های اعمال قواعد کلی حقوقی به صورت خاص در روابط مالی خانواده، اجرت‌المثل، اجرت رضاع و قواعد ارث می‌باشد که در زیر بررسی می‌گردد.

۴-۱-۲-۱- اجرت‌المثل

نهاد اجرت‌المثل ذیل ماده ۳۳۶ قانون مدنی و در ادامه بحث قاعده استیفای از کار غیر مطرح شده است.^{۳۴} در واقع این نهاد، اجرای قاعده کلی حقوقی استیفا در عرصه امور مالی زوجیت و در رابطه کارهای انجام گرفته در منزل توسط زوجه می‌باشد. اجرت‌المثل جهت جبران اقتصادی کارهای انجام گرفته در طول زندگی مشترک توسط زوجه هنگام جدایی و بر اساس این نظر که کار هر کس دارای ارزش است و زوجه تکلیفی به انجام کارهای منزل ندارد، شکل گرفته است. براین اساس زوجه می‌تواند در مورد انجام کارهایش در منزل از زوج طلب اجرت نماید. علاوه بر این، ماده ۳۰ قانون حمایت از خانواده مصوب ۹۲ قاعده جدیدی بر اساس قاعده استیفا از مال غیر، موضوع ماده ۳۳۷ قانون مدنی،^{۳۵} مقرر کرده است که طی آن زن مستحق جبران هرگونه هزینه‌ای می‌باشد که از محل اموال خود در زندگی مشترک بدون قصد تبرع و به دستور زوجه پرداخت کرده است (صفایی، ۱۳۹۶).

۴-۲-۲-۱- اجرت رضاع

اجرت رضاع یا حق شیردهی نیز از مصادیق قاعده کلی استیفا می‌باشد. از آنجا که نفقه کودک بر عهده پدر قرار دارد، مادر تکلیفی در مورد شیردادن به کودک ندارد^{۳۶} و اگر مادر به شیردهی فرزند خویش اقدام کند، حق تقاضای اجرت دارد. این امر نیز از نتایج سیستم استقلال اموال زوجین و تقسیم کامل وظایف طرفین می‌باشد که مرد را مسئول اقتصادی خانواده و پرداخت هزینه‌های زوجه و فرزندان می‌داند (میرحسینی، ۱۳۹۵).

۴-۳-۲-۱- ارث

طبق اصل کلی حقوقی در حقوق اسلام و ایران، غیر از موارد خاص، سهم الارث وراث ذکور، برابر با دو سهم از وراث اناث در همان طبقه ارثی می‌باشد. این اصل کلی حقوقی، به رابطه توارث میان زوجین نیز اعمال می‌شود و زوج در شرایط یکسان با زوجه، به اندازه‌ی دوبرابر از سهم‌الارث زوجه ارث می‌برد. این قاعده حقوقی برگرفته از آیات قرآن است که معصومین در احادیث به ذکر علت آن پرداخته‌اند. در احادیث مختلف، علت تفاوت سهم‌الارث زن و مرد، مسئولیت‌ها و تکالیف مالی است که بر عهده مرد قرار گرفته است. در حدیثی به صورت خاص علت تفاوت سهم الارث زن و مرد، وجود تکلیف به نفقه و مهریه برای مرد عنوان شده است (بهنیافر و دیگران، ۲۰۱۶). از این احادیث برداشت می‌شود که در نظام استقلال اموال زوجین با

قرار دادن تکالیف مالی بر عهده زوج و میرا نمودن زوجه از چنین تکالیفی، تقسیم نقش زوجین به گونه‌ای صورت گرفته است که مستلزم اعطای حقوق متفاوت به آن‌ها می‌باشد (یساری، ۲۰۱۶).

۴-۱-۳- نهادهای مالی برگرفته از اصول کلی اخلاقی

اصول نظام خانواده در نظام اسلامی مبتنی بر اخلاق است، اما برخی از نهادهای قانونی و حقوق مالی در خانواده، مستقیماً از اصول کلی اخلاقی نشأت گرفته‌اند. نمونه‌ی بارز قاعده حقوقی با منشاء اصول اخلاقی، نهاد نحلّه می‌باشد.

۴-۱-۳-۱- نحلّه

از آنجا که تحقق اجرت‌المثل برای زوجه، با داشتن شرایطی صورت می‌گیرد که مهمترین شرط آن اثبات قصد دریافت اجرت و عدم تبرع توسط زوجه می‌باشد که در عمل کمتر محقق می‌گردد، نهاد نحلّه توسط قانونگذار وضع گردیده است. نحلّه، در زمانی که اجرت‌المثل قابل اثبات نیست، توسط قاضی و با توجه به میزان دارایی زوج و طول زندگی مشترک تعیین می‌گردد. این نهاد، برگرفته از آیات قرآن^{۳۷} و اصول اخلاقی در مورد اکرام زوجه پس از جدایی است که به صورت قانون درآمده است. از آنجا که در طول رابطه‌ی زوجیت، اموال مشترکی بین طرفین بوجود نیامده و معمولاً زن دارای حمایت مالی بعد از جدایی نمی‌باشد، این نهاد جهت جبران و حمایت مالی از زوجه شکل گرفته است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۱).

۴-۱-۴- نهادهای مالی برگرفته از اراده آزاد طرفین (شرط ضمن عقد)

ماده‌ی ۱۱۱۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد که "طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند". لذا اراده طرفین و قراردادن شروط ضمن عقد با رعایت اصول حاکم بر قراردادهای در عقد ازدواج نیز محترم است (یساری، ۲۰۱۶). شروطی که طرفین می‌توانند در عقد ازدواج بر آن‌ها توافق نمایند دو دسته‌اند:

۴-۱-۴-۱- شروط انتخابی

شروطی که زوجین با توجه به آزادی اراده‌ی طرفین که به صورت کلی در شروط و قراردادهای با توجه به ماده ۱۰ قانون مدنی اجازه داده شده است، بر آن‌ها توافق می‌نمایند. در واقع طرفین عقد ازدواج با استفاده از این امکان می‌توانند قواعد کلی ازدواج را با توجه به شرایط و فرهنگ و زمان خاص خود منطبق نمایند (صدرعلی و دیگران، ۲۰۱۰). مبنای حقوقی جهت اعتبار این شروط این است که ازدواج در نظام حقوقی ایران نوعی قرارداد تلقی می‌گردد. البته عقد ازدواج ویژگی‌های خاص خود را دارد و شروط طرفین ازدواج باید با ذات عقد نکاح، اخلاق و نظم عمومی و قواعد شریعت منطبق باشند (ولشمن، ۲۰۱۶). از مهمترین مثال‌های این شروط می‌توان به دادن حق طلاق از طرف زوج به زوجه اشاره کرد.

۴-۱-۴-۲- شروط ارشادی

توافق بر شروط در هر قراردادی و به خصوص در عقد ازدواج در اختیار طرفین عقد می‌باشد و هیچ کس نمی‌تواند زوجین را مجبور به قراردادن یا قبول شرطی نماید. اما دولت می‌تواند در این زمینه زوجین را راهنمایی کند تا شروطی را در ضمن عقد خود انتخاب نمایند. به این شروط، شروط ارشادی می‌گویند. نمونه این شروط در مورد عقد ازدواج در سال ۱۳۶۲ توسط شورای عالی قضایی به تصویب رسید و جهت پیشنهاد

به زوجین هنگام ازدواج به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور جهت درج در سند نکاح ابلاغ گردید. شروط ارشادی، شروطی هستند که دولت با توجه به شرایط کلی حاکم بر عقد ازدواج و رابطه‌ی زوجیت برای تکمیل نواقص قانونی به طرفین پیشنهاد داده و آن‌ها را هنگام عقد ازدواج تشویق به توافق بر آن‌ها می‌نماید. از آنجا که این شروط در فرم پیشنهادی سند ازدواج گنجانیده شده است، در عمل بیشتر افراد در موقع ازدواج آن‌ها را قبول می‌نمایند. ۱۲ شرط در این مجموعه از شروط قرار دارند که شرط تنصیف دارایی در هنگام طلاق، مهم‌ترین شرط مالی موجود در این مجموعه از شروط ارشادی می‌باشد (مک‌گلین، ۲۰۰۲).

۴-۲- بحث و تحلیل امکان ورود نظام اشتراک اموال در ایران

در این قسمت به بررسی امکان ورود سیستم اشتراک اموال زوجین به نظام مالی خانواده در ایران خواهیم پرداخت. آیا با توجه به اصول فقهی و قوانین موضوعه، این سیستم می‌تواند همچون نظام مالی حاکم بر خانواده در کبک، به صورت انتخابی در کنار سیستم استقلال مالی به زوجین پیشنهاد گردد و طی قراردادی توسط زوجین انتخاب گردد؟ آیا نظام مالی اشتراک اموال در نظام حقوق خانواده در ایران می‌تواند راه پیدا کند؟

طی تقسیم‌بندی صورت گرفته در قسمت پیشین در خصوص نهادهای مالی موجود در حقوق ایران، این نتیجه به دست آمد که تمامی این نهادها به صورت جزئی و بر اساس نظام حقوقی استقلال مالی زوجین شکل گرفته‌اند. در خصوص قابلیت تغییر در این نهادها جهت ورود سیستم اشتراک اموال به حقوق ایران، می‌بایست امکان تغییر در آن‌ها با توجه به سابقه فقهی هر نهاد و جایگاه قانونی آن در نظر گرفته شود.

از میان نهادهای مالی مذکور، نهادهای اجرت‌المثل، اجرت رضاع، نحل و شرط تنصیف اموال در حالیکه جهت جبران حقوق زوجه در نظام استقلال مالی و تقسیم کامل نقش اقتصادی و غیر اقتصادی میان مرد و زن در خانواده در نظر گرفته شده‌اند، قابلیت اجرای خود را در سیستم اشتراک اموال از دست می‌دهند. زیرا در نظام اشتراک اموال، کار درون خانه و بیرون خانه زوجین و هرگونه فعالیت آنان برای خانواده، آورده هر یک از آن‌ها به دارایی خانواده محسوب می‌گردد،^{۳۸} لذا بحث جبران کار زن توسط زوج که در نهاد اجرت‌المثل و اجرت رضاع مطرح است، منتفی است. علاوه بر این، در هنگام اتمام رابطه‌ی زوجیت در هنگام جدایی نیز، دارایی مشترک میان زوجین تقسیم می‌شود که دیگر بحث نحل که جهت جبران کار زوجه در طول زندگی مشترک و حمایت از وی هنگام جدایی مطرح می‌شود، از میان می‌رود. در چنین حالتی، شرط ضمن عقد تنصیف اموال نیز منتفی است، زیرا اموال مشترک خودبخود با انحلال زوجیت میان زوجین پس از کسر بدهی‌ها به تساوی تقسیم می‌گردد.

این نهادها از نظر فقهی از لوازم ضروری عقد ازدواج نمی‌باشند. لذا عدم وجود این نهادها در نظام مالی خانواده با رضایت طرفین و توافق آن‌ها بر سیستم اشتراک اموال و در حالی که دارایی مشترک زوجین منبع تمامی مسئولیت‌های مالی خانواده قرار می‌گیرد، بدون ایراد است. در مورد مهریه، نفقه و ارث که از ضروریات عقد ازدواج در نظام حقوقی خانواده محسوب می‌شوند بحث کمی پیچیده‌تر به نظر می‌رسد.

مهریه، که از لوازم ضروری ازدواج در اسلام و در قوانین ایران شناخته می‌شود، ترجمه‌ای از واژه‌ی قرآنی صداق می‌باشد که به معنای هدیه و پیشکش است. لذا وجود آن با توجه به اصالت آن که دادن هدیه‌ای از

جانب مرد به زن جهت شروع زندگی مشترک می‌باشد هیچ گونه تعارضی با نظام اشتراک اموال نخواهد داشت (موورز، ۱۹۹۶). باید توجه داشت که نظام‌های حقوقی مختلف نیز قوانین مخصوص به خود را در نظام اشتراک اموال اعمال می‌کنند و محدودیت‌هایی را بر این نظام با توجه به ویژگی‌ها و فرهنگ حاکم بر جامعه خود اعمال می‌نمایند. به عنوان مثال، در نظام مالی حاکم بر اشتراک اموال در کبک، قانونگذار اموالی را از نظام اشتراکی مستثنی نموده که ارث و هدیه‌ای که هر یک از طرفین شخصاً دریافت می‌نماید جزو مستثنیات اموال مشترک می‌باشند.

در مورد مبحث ارث و تفاوت میان سهم الارث زن و مرد نیز که از قواعد مسلم فقهی و مبتنی بر آیات قرآن می‌باشد، ورود ارث با قوانین کنونی به نظام اشتراک اموال لطمه‌ای نمی‌زند. با انحلال رابطه‌ی زوجیت توسط مرگ یکی از زوجین، سیستم اشتراک اموال منحل می‌گردد و سهم هر یک از طرفین از نظام اشتراکی مشخص می‌گردد. سهم طرف درگذشته به عنوان ماورث وی محسوب می‌گردد که یکی از این وراث، همسر بازمانده خواهد بود که مطابق سهم الارث خواهد برد.

مبحث نفقه در این میان تامل برانگیزترین مبحث می‌باشد که با نظام اشتراک اموال متعارض به نظر می‌رسد. نفقه با شیوه اعمال یکجانبه‌ی تکلیف به پرداخت از طرف مرد و عدم تکلیف به هرگونه پرداخت توسط زن حتی در صورت تمکن وی، نمونه کامل نظام استقلال مالی زوجین و بر پایه‌ی تقسیم کامل نقش‌ها شکل گرفته است (میرحسینی، ۲۰۱۲). این نهاد با نظام اشتراک اموال که در آن زوجین مسئولیت اداره زندگی را دارا می‌باشند و درآمد هر یک از زوجین وارد در نظام اموال مشترک می‌شود متعارض به نظر می‌رسد. جهت حل این تعارض، می‌توان به شیوه‌ای نو به مسأله‌ی ورود نهاد نفقه در چارچوب نظام خانواده اسلامی و نظام اشتراک اموال نگریست و نهاد نفقه را در نظام اشتراک اموال بازتعریف کرد. در نظام اشتراک اموال، مالکیت فردی جای خود را به مالکیت زوجین می‌دهد و کیسه دارایی خانواده تشکیل می‌گردد که تمام دارایی زوجین در آن قرار می‌گیرد. لذا هر یک از آن‌ها آورده و درآمد خود را در این نظام مشترک قرار می‌دهد و تمامی پرداخت‌ها و هزینه‌های خانواده نیز از این محل پرداخت می‌گردد. مرد، به عنوان مدیر خانواده مسئول پرداخت این هزینه‌هاست (ولشمن، ۲۰۱۶) که شامل نفقه یعنی هزینه‌های زوجه و اولاد نیز می‌باشد، حال آنکه محل پرداخت این هزینه‌ها دارایی مشترک خانواده است. در واقع دارایی مشترک زوجین تمامی هزینه‌ها و درآمدهای زوجین را دربرمی‌گیرد. می‌توان این قید را در نظام اسلامی مطرح نمود که اگر کیسه اموال مشترک تهی گردد و محل پرداخت هزینه‌های خانواده تامین نگردد، مرد که در نظام اسلامی مدیریت خانواده را برعهده دارد، مسئول اصلی تامین هزینه‌ها خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در بررسی امکان ورود نظام اشتراک اموال به نظام حقوقی مالی خانواده در ایران می‌بایست به اصول فقهی و قواعد حقوقی و فرهنگ جامعه‌ی ایرانی توجه نمود. با مطالعه رژیم مالی خانواده در نظام‌های دیگر حقوقی و تطبیق آن با نظام حقوقی ایران، ابعاد این مبحث و نحوه ورود این نظام به حقوق ایران روشن‌تر می‌شود. با بررسی نهادهای مالی خانواده در حقوق کنونی ایران اولین نکته‌ای که نمایان می‌گردد عدم وجود نظام‌مند

این نهادهای مالی در ذیل یک رژیم کلی حقوقی است. لذا لزوم مطالعه و بررسی نظام حقوقی موجود جهت نظام‌مند کردن رژیم مالی خانواده در حقوق ایران ضروری است.

در بررسی نهادهای مالی موجود در سایه حاکمیت انحصاری نظام استقلال مالی زوجین، لزوم بررسی و بازتعریف این نهادها در نظام حقوقی اشتراک اموال نیز مشخص می‌گردد. نظام قضایی با بررسی ابعاد مختلف نظام اشتراک اموال و با رعایت قواعد حقوقی و اصول فقهی می‌تواند قرارداد پیشنهادی اشتراک اموال را جهت انتخاب زوجین در هنگام ازدواج تهیه نماید و زوجین با اراده آزاد خود از میان نظام‌های استقلال مالی و اشتراک اموال، نظام حاکم بر رابطه زوجیت را انتخاب نمایند. ورود اراده آزاد طرفین و حق انتخاب در مورد رژیم مالی حاکم بر رابطه زوجیت، موجب ارتقای آگاهی و مسئولیت افراد در مورد انتخاب خویش و آثار آن در زندگی مشترک خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

1. Convention on the Elimination of all Forms of Discrimination Against Women; CEDAW
2. Matrimonial regime or Marital property systems
3. Family property or Marital Estates
4. سوره نساء: آیه ۳۲: "للرجال نصیب مما اكتسبوا و للنساء نصیب مما اكتسبن": مردان را از آنچه انجام دهند نصیبی است و زنان را از آنچه انجام می‌دهند نصیبی است.
5. Matrimonial Regime
6. Quebec Civil Code, Article 431: "Any kind of stipulation may be made in a marriage contract, subject to the imperative provisions of law and public order."
7. Quebec Civil Code, Article 432. "Spouses who, before the solemnization of their marriage, have not fixed their matrimonial regime in a marriage contract, are subject to the regime of partnership of acquests."
8. "Partnership of Acquests": Look at Quebec Civil Code, Article 448-484.
9. Marriage and Civil Union Regimes available at: <http://www4.gouv.qc.ca/en/Portail-Citoyens/Evenements/separation-divorce/Pages/regimes-matrimoniaux-union-civile.aspx#>.
10. Quebec Civil Code, Article 450
11. Quebec Civil Code, Article 465
12. Community of Property
13. Matrimonial Regimes: Community of Property available at <https://www.educaloi.qc.ca/en/capsules/matrimonial-regimes-community-property>
14. Separation as to Property
15. Look at Quebec Civil Code, Article 485-491.
16. Quebec Civil Code, Article 486: "Under the regime of separation as to property, each spouse has the administration, enjoyment and free disposal of all his or her property."
17. Quebec Civil Code, Article 487: "Property over which the spouses are unable to establish their exclusive right of ownership is presumed to be held by both in undivided co-ownership, one-half by each."
18. Family Patrimony
19. Quebec Civil Code, Article 414: "Marriage entails the establishment of a family patrimony consisting of certain property of the spouses regardless of which of them holds a right of ownership in that property."

20. Community Property

21. Quebec Civil Code, Article 415

۲۲. سوره النساء، آیه ۳۲: "لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ.." : "چه مرد و چه زن از کار و کسی که دارد بهره‌مند می‌گردند"

۲۳. از جمله شروط ضمن عقد نکاح در اسناد رسمی مربوط به ازدواج، شرط تنصیف دارایی است که براساس مصوبه شورای عالی قضایی در سال ۶۱ و ۶۲ به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور جهت درج در اسناد ازدواج ابلاغ شده است. مفاد این شرط به این شرح است: "در ضمن عقد نکاح در عقد خارج لازم، زوج شرط نمود که هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و طبق تشخیص دادگاه، تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوءاخلاق و رفتار او نبوده، زوج موظف است تا نصف دارایی موجود خود را که در ایام زناشویی با او به دست آورده یا معادل آنرا طبق نظر دادگاه بلاعوض به زوجه منتقل نماید."

۲۴. ماده ۱۰۹۵ قانون مدنی: "در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است."

۲۵. ماده ۱۰۸۰ قانون مدنی: "تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است."

۲۶. ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی: "هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد می‌توان مهر قرار داد."

۲۷. ماده ۱۰۷۹ قانون مدنی: "مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود معلوم باشد."

28. Alimony

29. Spousal Support

30. Quebec Civil Code, Article 396: "The spouses contribute towards the expenses of the marriage in proportion to their respective means."

۳۱. قانون مدنی ماده ۱۱۱۱: "زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد."

۳۲. قانون مدنی ماده ۱۱۲۹: "در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجراء حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار به طلاق می‌نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه."

۳۳. ماده ۱۱۰۷: "نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض."

۳۴. ماده ۳۳۶ قانون مدنی: هر گاه کسی بر حسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهبیای آن عمل باشد عامل مستحق اجرت عمل خود خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که قصد تبرع داشته است. تبصره: چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت‌المثل باشد، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید.

۳۵. ماده ۳۳۷ قانون مدنی: هر گاه کسی بر حسب اذن صریح یا ضمنی از مال غیر استیفاء منفعت کند صاحب مال مستحق اجرت‌المثل خواهد بود مگر این که معلوم شود که اذن در انتفاع مجانی بوده است.

۳۶. ماده ۱۱۷۶ - مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد.

۳۷. سوره بقره آیه ۲۴۱: "وَلِلْمَطْلُوقَاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ": "مردان، زنانی را که طلاق دهند به چیزی بهره‌مند کنند، که این کار سزاوار مردم پرهیزکار است."

38. Quebec Civil Code, Article 396: "... The spouses may make their respective contributions by their activities within the home."

منابع

- حکمت‌نیا، م. (۱۳۸۶). *فلسفه حقوق خانواده*. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- حکمت‌نیا، م. (۱۳۹۱). *حقوق زن و خانواده*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- روشن، م.، نعیمی، ز. (۱۳۹۵). اصلاح نظام مالی حاکم بر روابط زوجین. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۲(۴)، ۵۵۳-۵۲۹.
- شیروی، ع. (۱۳۹۵). *حقوق خانواده (ازدواج، طلاق و فرزندان)*. تهران: انتشارات سمت.
- صفائی، ح.، و امامی، ا. (۱۳۹۶). *مختصر حقوق خانواده*. تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۵). *دوره حقوق مدنی: خانواده*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- Aghajanian, A. (2001). Family and family change in Iran. In *the Diversity in Families: A Global Perspective*, edited by Charles B. Hennon and Timothy H. Brubaker, Belmont, Ca: Wadsworth Publishing Company.
- Bani, L. M., & Hamza, A. P. (2015). Dissolution of Marriage (Divorce) under Islamic Law. *JL Pol'y & Globalization*, 42,13-143.
- Behniafar, A. R., & Eftekhariyan, M. S. (2016). Analysis and Review of Wife Inheritance and the Parents of the Deceased in the Religions with Holy Book. *Journal of Politics and Law*, 9(7), 270-283.
- Boe, M. (2015). *Family Law in Contemporary Iran: Women's Rights Activism and Shari'a*. New York: IB Tauris.
- Fazaeli, R.(2016). *Islamic Feminisms: Rights and Interpretations Across Generations in Iran*: Oxford: Taylor & Francis.
- Glendon, M. A. (1983). Family law reform in the 1980's. *La. L. Rev*, 44,1553-1573.
- Hahlo, H. R. (1973). Matrimonial property regimes: yesterday, today and tomorrow. *Osgoode Hall LJ* , 11,455-478.
- Hekmatnia, M. (2007). *The Philosophy of the Family Law*. Tehran: Shoraye Farhangi, Ejtemaeye Zanan[in Persian].
- Hekmatnia, M. (2012). *Woman's Rights and Family*. Tehran: Sazman Entesharat Pajoheshgah Farhang o Andisheye Islami.
- Kasirer, N. (1995). Testing the origins of the family patrimony in everyday law. *Les Cahiers de droit*, 36 (4),795-841.
- Katouzian, N. (2015). *Family law*. Tehran: Sahamie Enteshar.
- Leckey, R., & Rogerson, C. (2017). Marriage, Family, and Federal Concerns. In *The Oxford Handbook of the Canadian Constitution*, edited by Patrick Macklem Nathalie Des Rosiers, & Peter Oliver. Oxford: Oxford University Press.
- Hammoud, M., & Hania, M. (2016). Clearing away the legal mist of the family business. PhD Thesis in family Law, University of Montreal.
- Marghzari, S., Abbaszadeh, S., & Jalali Shahri, S. M.(2016). Mutual rights of spouses in revocable divorce. *International Journal of Humanities and Cultural Studies (IJH-CS)*, ISSN: 2356-5926: 2119-2135.
- McGlenn, Sen. 2002. *Family Law in Iran*, Netherlands: University of Leiden Publication.
- Michael J. S., Kohnen, P., Cincinnati, O.(2012). *Matrimonial Property Regimes in a Cross-Border Context: Who Owns What (and When)?*. Lisbon: Portugal NYSBA International
- Mir-Hoseini, Z. (2012). The Politics of Divorce Laws in Iran: Ideology versus Practice. In *Interpreting Divorce Laws in Islam*. Copenhagen: DJØF Publication.
- Mir-Hosseini, Z. (1995). Divorce and Women's Options: Law and Practice in Iran. *Farzaneh: Journal of Women's Studies and Research*, 2, 65-82.
- Mir-Hosseini, Z. (2010). 8 Sharia and national law in Iran. In *SHARIA INCORPORATED*, 319.

- Moors, A. (1996). *Women, Property and Islam: Palestinian Experiences, 1920–1990*, Cambridge Middle East Studies. Cambridge: Cambridge University Press.
- Nasir, J. (2009). *The Status of Women Under Islamic Law and Modern Islamic Legislation*, Leiden: Brill.
- Neuman, L. (2018). *Marriage, Family and Property Rights*. New York: The United Nations Entity for Gender Equality and the Empowerment of Women.
- Revillard, A. (2006). Women's Rights Meet Family Law: Family Patrimony in Quebec. *Droit et société*, 62, 95-116.
- Roshan, M., & Naeemi, Z. (2016). Reforming the Financial System Governing the Relationships Between Spouses (Marital Life, Common Properties). *Journal of Family Research*, 12(4), 529-553.
- Safaei, S. H., & Emami, A. (2017). *A Concise of Family Law*. Tehran: Mizan Publication[in Publication].
- Sardar, A., Shahid, A., & Lawan, M. (2010). *An Introduction to Islamic Family Law (A Teaching and Learning Manual)*. London: Sage.
- Schacht, J. (1996). *An introduction to Islamic law*. Oxford: The Clarendon Press.
- Shiravi, A. (2016). *Family Law (Marriage, Divorce, and Children)*. Tehran: Samt [in Persian].
- Tohidi, N. (2010). *Women's rights in the Middle East and North Africa: progress amid resistance*, Lanham: Rowman & Littlefield Publishers.
- Welchman, L. (2016). A Historiography of Islamic Family Law." In *The Oxford Handbook of Islamic Law*. Oxford University Press.
- Yassari, N. (2002). Iranian Family Law in Theory and Practice. *YB Islamic & Middle EL* 9, 43-47.
- Yassari, N. (2016). *The Financial Relationship between Spouses Under Iranian Law-A Never-Ending Story of Guilt and Atonement.*? London: Routledge